

حسابداران



گفت‌وگو با

غلامرضا
سلامی

رئیس ۶ دوره‌ی

انجمن حسابداران

خبره‌ی ایران

به‌علاوه

- همه‌ی راه‌ها به IFRS ختم می‌شود
- جای خالی آموزش حسابداری دادگاهی در ایران
- اجتناب از بروز مشکل در زمان تبادل نظر درباره‌ی ریسک‌های تقلب

غلامرضا سلامی:

رئیس ۶ دوره‌ی شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران

غلامرضا سلامی از پایه‌گذاران و از تأثیرگذارترین اعضای انجمن حسابداران خبره‌ی ایران است. پس از انقلاب ۱۳۵۷ تا کنون در رهبری انجمن حضوری پرثمر و تقریباً بی‌وقفه داشته است. نزدیک به ۲۵ سال به عنوان عضو و بیش از ۶ دوره یعنی بیش از ۱۵ سال در مقام رئیس شورای عالی انجمن حسابداران خبره‌ی ایران خدمت کرده است. تاکنون هیچ‌گاه از انجمن جدا نبوده است. حالا در اثر تلاش‌های او و همکارانش انجمن بیش از ۵,۰۰۰ عضو دارد و بزرگ‌ترین تشکل حرفه‌ای حسابداران کشور است و نمایانگر یا پرند انجمن حسابداران خبره‌ی ایران در نزد دولت، ذی‌نفعان و عموم مردم دارای شهرت و نیک نامی است. این‌ها همه حاصل کوشش‌های سلامی و همگامانشان در سه دهه‌ی گذشته است. به گفته‌ی یکی از دوستانش سلامی مردی برای تمام فصول انجمن بوده است. با هم گفت‌وگویی را که خبرنگار حسابدار با وی ترتیب داده است می‌خوانیم.

مقدمه

غلامرضا سلامی ۴۵ سال است که با اعداد و ارقام و مسائل حقوقی و مالی کار کرده است. نزدیک به نیم قرن تجربه پشتوانه‌ی عظیمی است که او دارد اما آنقدر متواضع است که کمی با شم خبرنگاری، اصرار و سماجت متوجه شدیم قهرمان ملی است و با مشارکت در کارهای تیمی حدود ۲۰۰ میلیون دلار به نفع ایران از چنگ مدعیان آمریکایی درآورده است و دیوان داوری رأی به ایران داده است. سلامی به اقتصاد آزاد باور دارد و معتقد است: "زمانی که اقتصاد رقابتی شود، حسابداری مفهوم پیدا می‌کند."

تحصیلات، خانواده و کار؟

متولد ۱۳۲۴ هستم، نزدیک ۴۵ سال است که سابقه‌ی کار دارم و بیشتر فعالیت من در زمینه‌ی حسابرسی و مدیریت و امور مالی بوده است. نزدیک ۴۰ سال پیش از دانشکده‌ی حسابداری صنعت نفت در مقطع کارشناسی ارشد حسابداری دانش‌آموخته شدم. در ۱۳۵۶ حسابدار رسمی شدم. در ۱۳۸۰ جزو نخستین گروه حسابداران بودم که به عنوان حسابدار رسمی بعد از انقلاب معرفی شدم و مدتی هم در دوره‌ی نخست به ریاست شورای عالی جامعه انتخاب شدم. قبل از انقلاب استادان بزرگی مانند مرحوم مهدی سمیعی، مرحوم حسن سجادی‌نژاد، شاهرخ بهنام و احمد فاطمی و احمد زینی مشغول فعالیت در انجمن بودند و بعد از انقلاب با توجه به تحولاتی که در ایران به وجود آمد، بسیاری از بزرگان از کشور مهاجرت کردند. آن زمان، صحنه خالی مانده بود و فرصت برای ما که جوانان آن دوره بودیم، مهیا شد. به نوعی عرصه برای نسل بعدی حسابداران ایران فراهم شد. بعد از انقلاب "کانون حسابداران رسمی" تعطیل شد. در آن زمان من و تعدادی از دوستان سعی کردیم انجمن حسابداران خبره‌ی ایران را برای بار دوم احیا و فعال کنیم و زمینه‌های پیشرفت آن را فراهم کنیم.





۱۳۸۰ دو دوره‌ی متوالی نیز عضو هیأت تشخیص صلاحیت حسابداران رسمی بودم که طی این سال‌ها با توجه به آیین‌نامه‌ی مصوب دولت در زمینه‌ی پذیرش اعضای جدید با چالش‌های بسیاری روبه‌رو بودیم که خوشبختانه این هیأت تا اندازه‌ی زیادی بر مشکلات فائق آمد. با آن که عضو این هیأت بودم ولی اعتقاد داشته و دارم که این هیأت باید یکی از ارکان جامعه تلقی شود و تشخیص صلاحیت به عنوان اعضای جامعه‌ی حسابداران رسمی در درون آن و به عهده‌ی خود آن گذاشته شود. تا آنجا که در توانم بود کوشیدم این باور را در اعضای شورای عالی جامعه‌ی حسابداران رسمی، ایجاد کنم و تا اندازه‌ای نیز موفق شدم به طوری که در اصلاحیه‌ی قبلی اساسنامه، هیأت تشخیص حسابداران رسمی ایران به‌عنوان جزئی از جامعه به رسمیت شناخته شده بود. ولی کسانی با این ایده مخالف بودند که متأسفانه بیشتر آنها در درون حرفه صاحب نفوذ بوده و هستند. جلوی این کار را گرفتند و امروز نتیجه‌ی آن تلاش، و مخالفت‌ها این است که همه شاهد هستیم با این تصمیمات جدید به زودی روزی خواهد رسید که حساب‌رسان واجد صلاحیت در جامعه‌ی خودشان به اقلیت ناچیزی تبدیل خواهند شد.

بعد از تصویب قانون برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی، دو دوره‌ی متوالی نیز به‌عنوان عضو هیأت داور خصوصی‌سازی موضوع ماده ۲۰ این قانون انتخاب شدم. در این دوران خوشبختانه موضوع حقوق دولت و بخش خصوصی به‌عنوان دو جزء تفکیک‌ناپذیر در نظام‌های مردم سالاری مورد توجه قرار گرفت و برای اولین بار در تاریخ احکامی به نفع بخش خصوصی در مقابل دولت صادر شد.

این که هم اکنون نیز به‌عنوان نماینده‌ی انجمن در تیم تحول نظام مالیاتی کشور در حد استطاعت خود تلاش می‌کنم.

حسابداری رشته‌ی بسیار گسترده‌ای است که با اقتصاد ارتباط و پیوند محکمی دارد، هم‌چنین با مدیریت نیز ارتباط تنگاتنگی دارد، به نظر من حسابداری جزو مدیریت کلان اقتصادی به شمار می‌آید، مدیریتی موفق محسوب می‌شود که در خدمت اقتصاد قرار گیرد و موجب رشد و توسعه‌ی اقتصاد شود. امروزه بنگاه‌های اقتصادی چه از نظر حجم و چه سطح ارتباطات با دنیای خارج با ۳۰ سال پیش فرق کرده‌اند. بالطبع حسابداری و مدیریت مالی نیز همراه با توسعه‌ی جهانی توسعه پیدا کرده است، مسائل حسابداری پیچیده شده‌اند. انجمن حسابداران خبره‌ی ایران نیز علی‌رغم شرایط حاکم بر کشور و ضعف نهادهای مدنی در این سال‌ها به خوبی رشد پیدا کرده است و توانسته است شأن رشته حسابداری را ارتقا دهد. در حال حاضر استقبال چشمگیر حسابداران متخصص و حرفه‌ای بدون این که ما به ازایی مادی از انجمن دریافت کنند قابل تقدیر است که نشان‌دهنده‌ی موفقیت انجمن است.

این موفقیت بر اساس تصادف رخ نداده است و تعداد زیادی از حسابداران قدیمی و جدید در این موفقیت سهیم بودند، قبل از انقلاب تلاش مرحوم سمیعی و سجادی‌نژاد چشمگیر بوده است و کسانی که هنوز در قید حیات هستند نیز در این تلاش سهم داشتند، بعد از انقلاب نیز این تلاش ادامه داشته است. در این تلاش افراد گوناگونی نقش داشتند.

غیر از انجمن در چه نهاد حرفه‌ای دیگر فعالیت داشته‌اید؟

من از سال ۱۳۸۰ که جامعه‌ی حسابداران رسمی ایران تشکیل شد در سه دوره‌ی اول عضو شورای عالی این جامعه بودم. در دوره‌ی اول تمام تلاش من همراه با اکثریت اعضای شورا بر اصلاح اساسنامه جامعه که به‌نظر بسیار دولتی تنظیم شده بود، استوار گردید و با زحمات بسیار تلاش شد تا این اساسنامه به یک نهاد مدنی بیشتر شبیه باشد تا یک نهاد وابسته به دولت. در آن زمان امکان پذیرش چنین دیدگاهی نیز وجود داشت ولی متأسفانه با تغییرات ناشی از خروج آقای طهماسب مظاهری از دولت آقای خاتمی، که همواره طرفدار استقلال جامعه‌ی حسابداران رسمی بودند و با تنگ‌نظری بعضی از دوستان این اصلاحات که تقریباً ۵۰ درصد وقت شورای اول را گرفته بود متوقف شد که این موضوع دلیل استعفای من از شورای دوم بود و نهایتاً این اصلاحیه‌ی جدید که امروز شاهد آن هستیم جایگزین آن شد. با کمال تأسف باید گفت که اصلاحیه‌ی جدید جامعه‌ی حسابداران رسمی را بیش از پیش به دولت وابسته کرده است. از سال

از همان ابتدا و در این سال‌ها به اتفاق دوستان و بزرگوارانی مثل الله‌وردی رجایی، بهروز وقتی، ایرج نیک‌نژاد، پرویز جواهری، محمود قدس، هوشنگ خستویی، بهرام غیایی، خسرو پور معمار، ابوالقاسم فخاریان، رضا مستاجران، منصور شمس احمدی، و مجید میراسکندری، کوشیدیم تا انجمن را به جایگاه کنونی‌اش برسانیم. در ادامه‌ی راه دوستان و همکاران دیگری مثل یدالله مکرمی و محمد منیری و خیلی‌های دیگر به ما پیوستند. بی‌تردید انجمن مرهون زحمات این عزیزان و دیگر همکاران و همتایان و البته اعضای است که با تمام وجود زندگی خود را وقف اعتلای انجمن کردند.

چه زمانی به عضویت انجمن حسابداران خبره‌ی ایران درآمدید و چه نقشی در اعتلای آن داشتید؟

بعد از انقلاب بسیاری از مدیران از ایران رفتند؛ در دورانی کشور دچار رکود شد و مدیران جدید پا به عرصه‌ی مدیریتی کشور گذاشتند؛ این رکود متأسفانه روی رشته‌ی حسابداری نیز اثر گذاشت، تنها ارگان رسمی حسابداران یعنی کانون حسابداران رسمی منحل شد. در ۱۳۶۰ چند نفری گرد هم آمدیم و "انجمن حسابداران خبره‌ی ایران" را احیاء کردیم. خوشبختانه در حال حاضر انجمن بیش از ۵ هزار عضو دارد. وسعت فعالیت انجمن حسابداران خبره‌ی ایران موجب شد شناخت خوبی در جامعه نسبت به حسابداری پدید بیاید. به نوعی احیای مجدد انجمن نقطه‌ی عطف در زندگی من محسوب می‌شود. در هیچ دوره‌ای انجمن را رها نکردم، و برای به عظمت رسیدن و فراگیر شدن وجهه‌ی انجمن و شناساندن آن به کل جامعه کوتاهی نکردم. البته در این راه تنها نبودم چون با کمک هم‌فکرانم که علائق مشترکی با هم داشتیم رسالت و اهداف انجمن را پی‌گیری کردم تا انجمن به این نقطه برسد.

چه اقدامات شاخصی به نمایندگی از انجمن انجام داده‌اید؟

از جمله افتخارات من به نمایندگی از انجمن شرکت در تیم اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم در سال ۱۳۸۰ بود که به تأیید همگان تحولی شگرف در نظام مالیاتی و حسابداری کشور به‌وجود آورد. از دیگر اقدامات تدوین نهایی لایحه‌ی بازار اوراق بهادار با همکاری دو نفر از صاحب‌نظران اقتصادی و حقوقی بود که هر چند در هنگام انجام این کار شدیداً مورد حمله دوستان قرار گرفتیم ولی امروز خوشحالم که این قانون توانسته است منشاء تحول عظیمی در بازار سرمایه‌ی ایران بشود. از کار دیگری که می‌توانم نام ببرم مشارکت در اصلاح قانون تجارت است که هنوز ثمره‌ی نهایی آن به جامعه تقدیم نشده است. بالاخره

طی این دوران به عنوان یک حسابدار چه موضوعی بیش از هر چیز موجب خوشحالی شما شد؟

از ابتدای شروع تحصیل در رشته‌ی حسابداری به علم حقوق علاقه‌مند شدم و کشش عجیبی به این رشته پیدا کردم، همین امر باعث شد تا بخش‌هایی از قانون تجارت (قانون شرکت‌ها) و قانون مدنی (معاملات) و مالیه‌ی عمومی مرکز مطالعات و بررسی‌های من قرار گیرد و حتی اکثر مقالات اولیه‌ی من به این موضوعات اختصاص یابد. این علاقه موجب راه‌یابی من به دعاوی حقوقی بین ایران و ایالات متحد آمریکا و دیوان دآوری مستقر در لاهه شد. اولین دعوائی را که من در آن شرکت کردم مربوط به گروه صنعتی ملی (کفش ملی) بود که از طرف یک مدعی آمریکایی به عنوان سهامدار حدود ۴۰ میلیون دلار غرامت درخواست شده بود و هنگامی که این دعوی مختمه شد حدود ۴۰ میلیون دلار نیز به‌عنوان بهره از طرف ایران باید پرداخت می‌شد. این دعوی به شهادت تمام دست‌اندرکاران آن، حتماً به زیان ایران خاتمه می‌یافت ولی به اصرار من و پشتیبانی ریاست وقت سازمان صنایع ملی با تلاش بسیار و گردهم‌آوری مستندات (FACTS) دیوان متقاعد شد که رأی را به نفع ایران صادر کند. هنگامی که خبر این پیروزی به من رسید غرور انگیزترین لحظه زندگی را به‌عنوان یک حسابدار برای من به ارمان آورد (باید توجه داشت برخلاف امروز در اوایل دهه ۱۳۶۰ مبلغ ۸۰ میلیون دلار برای کشور رقم زیادی بود). خوشبختانه در دعاوی دیگری که من در تیم دفاعی آن شرکت داشتم نیز پرونده به نفع ایران خاتمه یافت و اکنون نیز که با شما صحبت می‌کنم در چندین پرونده در سطح ملی درگیر هستم که امیدوارم با پیروزی در آنها باز هم آن لحظات تکرار شود.

سلامی در مقام نویسنده، مترجم، سخنران؟

در حدود ۲۰۰ مقاله در زمینه‌های مختلف حسابداری، حسابرسی، قانون تجارت، مسائل اقتصادی ایران و مسائل مالی و بازار سرمایه در روزنامه‌های معتبر اقتصادی، مجله حسابدار و سایر مجلات تخصصی اقتصادی و بازار سرمایه به چاپ رسانده‌ام. در بسیاری از همایش‌های انجمن مقالاتی را عرضه کرده‌ام. برپایی این همایش‌ها از دهه ۱۳۶۰ آغاز شد و تاکنون هر ساله ۱ یا ۲ همایش را برگزار کرده‌ایم. برخی از کارهایی که منتشر کرده‌ام ترجمه بوده‌اند. ولی بیش‌تر کارهایم تألیف بوده‌اند.

سال‌ها است که عضو تحریریه‌ی مجله‌ی اقتصاد ایران و حسابدار هستم. همین مجله را که امروزه به‌صورت ماهانه منتشر می‌کنیم ابتدا به‌صورت قطع وزیری و با امکانات اندک چاپ می‌کردیم. ۲۵ سال پیش پروانه‌ی انتشار آن را گرفتیم. و از آن زمان،

حسابدار به عنوان ارگان انجمن نقش به‌سزایی در اعتلای دانش و حرفه‌ی حسابداری ایفا کرده است.

فعالیت‌هایی که قصد داشتید انجام بدهید ولی موفق نشدید؟

خیلی علاقه‌مندم اگر فرصتی پیش بیاید کتاب حسابداری برای افراد غیرحسابدار و مدیران غیرمالی را بنویسم، البته چنین کتاب‌هایی در ایران منتشر شده است ولی هنوز در ایران احساس نیاز وجود دارد که از زاویه‌ی دیگری چنین کتاب‌هایی چاپ شوند تا مدیران بخش‌های مختلف، با حسابداری و حسابرسی بیشتر آشتی کنند و اهمیت آن را درک کنند. ابهام‌ها برطرف شود و به علت بی‌اطلاعی از این مفاهیم فاصله نگیرند. برای از بین بردن فاصله‌ها علاقه‌مندم این کتاب را بنویسم. ساختار کتاب در ذهنم آماده است، به امید آن‌روز که این کتاب را بنویسم.

تا به امروز به دلیل اقتصاد دولتی و غیررقابتی که در کشور ما حاکم بوده است، مدیران احساس نیاز نمی‌کردند با مقوله‌ی حسابداری و کارکردهای رشته حسابداری آشنا شوند، اقتصاد غیررقابتی فضای خاص ایجاد می‌کند که نیاز به حساب و کتاب وجود ندارد. زمانی که اقتصاد رقابتی شود، حسابداری مفهوم پیدا می‌کند و در اقتصاد رقابتی سود به راحتی به دست نمی‌آید و مدیران بدون رعایت فنون و روش‌های مدیریت نوین در واقع قادر به کسب سود مانند گذشته نیستند.

حسابدار باید با قوانین و بازار رقابتی دنیا آشنایی کامل داشته باشد. یکی از مهم‌ترین ابزارها اطلاعات حسابداری است. در حقیقت ابزار مدیریت برای تصمیم‌گیری و سنجش عملکرد مدیریت، حسابداری است، در شرایط رقابتی کامل تولیدکنندگان کشور قادر به رقابت با تولیدکنندگان کشورهای دیگر نیستند. به نظر مدیران فعلی در اقتصاد غیررقابتی اطلاعات حسابداری اطلاعاتی کسل‌کننده و خسته‌کننده هستند. در مدیریت نوین، مدیران به این نکته پی می‌برند که نه تنها حسابداری و مدیریت برای آنان ترمز نیست بلکه برای کارایی و اثربخشی مدیریت راهگشا است. مدیران با استفاده از اطلاعات تولیدشده توسط سامانه‌ی حسابداری می‌توانند بهتر تصمیم بگیرند و اثربخش‌تر عمل کنند. بدون این اطلاعات و حسابداری مالی و حسابداری مدیریت نوین نمی‌تواند در بازار رقابتی باقی‌ماند.

در بخش حسابرسی، صورت‌های مالی حسابرسی شده موجب جذب و نگهداشت سرمایه و علاقه‌مند کردن بانک‌ها به دادن اعتبارات می‌شود. هم‌چنین ایجاد اعتماد مسئولان و مردم به شرکت‌ها در گرو صورت‌های مالی شفاف و قابل اعتماد است. به همین دلیل است که حسابرسی و حسابداری در دنیا این‌قدر مطرح است.

در ایران باید آشنایی مدیران با حسابداری جنبه‌ی الزامی داشته باشد. مدیرانی که علاقه‌مند باشند صورت‌های مالی شفاف داشته باشند به نفع بنگاه اقتصادی عمل می‌کنند. حسابداران و مدیران مالی می‌توانند اقتصاد ما را به جایگاه واقعی خودش برسانند.

آیا اقتصاد غیررقابتی موجب فروپاشی کشورهای شد که دارای این اقتصاد بودند و کشورهای که روش اقتصاد رقابتی دارند در بخش‌هایی مجبورند از سامانه‌ی دولتی استفاده کنند. آیا این کشورها در بخش‌های دولتی با این مشکل که گفتید، روبرو هستند؟

کشورهای سوسیالیستی که سامانه‌ی دولتی داشتند با فروپاشی اقتصاد و در نهایت فروپاشی اجتماعی مواجه شدند و برای ورود به دنیای مدرن از نو شروع کردند. از دهه‌ی ۱۹۷۰ به بعد کشورها روند خصوصی‌سازی را تسریع کردند و به نوعی اداره‌ی شرکت‌های متوسط یا نهادهای دولتی را به بخش خصوصی واگذار کردند. در بخش آموزش همگانی و بهداشت در کشورهای پیشرفته و آزاد هنوز سامانه‌ی دولتی فعال است و می‌توان کاهلی و تنبلی را در این بخش مشاهده کرد. دولت‌های غربی و پیشرفته متوجه شدند که در یک اقتصاد رقابتی است که پیشرفت اقتصادی و اجتماعی حاصل می‌شود. مدیریت امروزی کاملاً با مدیریت ۱۰۰ سال گذشته فرق کرده است.

نهایت آمال شما در انجمن و الگوهای شما؟

استادان حسابداری که در ایران فعال بودند اکثراً تحصیلکرده‌ی انگلستان بودند، سمعی، رئیس کل بانک مرکزی که در بخش عمومی فعالیت داشت. در بخش خصوصی نیز حسابداران خبره وجود داشتند که به عنوان الگوی موفق به نسل بعد از خود معرفی شدند. استادان حسابداری دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ در رشته‌ی حسابداری بسیار تأثیرگذار بودند. الگوی ما این حسابداران موفق بودند. بسیاری از مؤسسات حسابرسی بزرگ مدیون بنگاه‌های اقتصادی بودند که در دهه‌های ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شروع به رشد کردند و بعدها حسابداری نوین را در ایران نهادینه کردند. بعد از انقلاب تعداد بنگاه‌ها زیاده‌تر شد، ایران جزو کشورهایی است که در زمینه‌ی حسابداری خیلی پیشرفت کرده است و جزو کشورهای متوسط به بالا از نظر حسابداری است.

البته برای این‌که از نظر اقتصادی فاصله بسیاری با کشورهای پیشرفته داریم حسابداری ما نیز شاید دارای چنین فاصله‌ای باشد. ولی فاصله ما با کشورهای پیشرفته از نظر حسابداری کم‌تر از فاصله‌های اقتصادی کشور با آن کشورها است. خوشبختانه بعد از انقلاب تعداد زیادی حسابدار حاذق تربیت شدند.